

کارآمدی کاربرست قاعده حریم حمی در مهار طغیان شهوت جنسی در آخرالزمان

محمدهادی منصوری^۱، مبشره نصیری^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۷

چکیده

جوامع بشری همواره با چالش شهوت پرستی مواجه بوده و هستند. روایات مهدوی از نمود و بروز افراط در شهوت جنسی در آخرالزمان حکایت دارد و آن را از اشراط الساعة برشمرده و این دوران را به «بدترین دوران زندگی بشر» معرفی کرده است. پرده‌داری حجاب‌ها، گرایش شدید و سرعت به لذات حیوانی، حلال کردن حرام الهی در اطفاء غریزه جنسی و... از جمله نشانه‌های چنین رفتاری در عصر غیبت است که وجه اشتراک همه آنها جرأت به شکستن حدود الهی است. از دیگر سو قرآن کریم و روایات، با تبیین قرقگاه الهی و چگونگی اهتمام به آن، راهکار مواجهه با چنین پدیده‌ای را در سه ساحت نگرشی و گرایشی و رفتاری ارائه نموده است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن آسیب‌شناسی چالش پیش‌گفته، آثار کاربرست قاعده حریم حمی در مواجهه با افراط‌گرایی جنسی در آخرالزمان را تبیین می‌نماید. اجرای چنین قاعده‌ای که مبتنی بر آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام است، نقش اساسی در مواجهه موفق با چالش شهوت پرستی و نیز پاسبانی از جامعه منتظر دارد.

واژگان کلیدی: اشراط الساعة، جامعه منتظر، قاعده حریم حمی، آخرالزمان.

۱. استادیار، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) (mansouri@maaref.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی قرآن و متون اسلامی، دانشکده اندیشه و معارف اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (nasiri.m63@gmail.com)

مقدمه

بر مبنای نظام احسن الهی، غریزه جنسی نعمت و عامل بقاء نسل و تکامل جوامع بشری است. خدای سبحان راهکار صحیح مواجهه با آن را در قالب کتاب‌های آسمانی و... از طریق پیامبران علیهم‌السلام به انسان آموخته و از افراط و تفریط درباره آن پرهیز داده است. تعامل با غریزه جنسی، خارج از آموزه‌های دینی با زیاده‌روی و یا کم‌روی‌هایی همراه بوده که آسیب‌های فراوانی به فرد و جامعه وارد کرده است. از بررسی روایات می‌توان دانست، زیاده‌روی در شهوت جنسی در آخرالزمان نمود و بروز ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که باعث تعطیلی حدود الهی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰) می‌شود. از نگاه قرآن و روایات چنین رویکردی بر دنیاگرایی و جایگزین کردن هوای نفس به جای معبود حقیقی مبتنی است. جذابیت‌های دنیای مدرن نیز سهم به‌سزایی در کوته‌نگری و فقدان انگیزه انجام تکالیف دینی دارد. از آیات قرآن برمی‌آید شهوت‌پرستی و پیروی از آن که نشانه جهل (نمل: ۵۵) و تجاوزکار بودن (أعراف: ۸۱) است، دوری از رحمت خدا و انحرافی بزرگ (نساء: ۲۷) را در پی داشته و نعمت غریزه جنسی را به نقیمت و ارزش‌ها را به ضد آن تبدیل می‌کند. از این رو شناخت شیوه مواجهه با چالش افراط در شهوت جنسی به منظور مواجهه منطقی با آن در جامعه منتظر امری بایسته است.

یکی از راهکارهای پیشگیری و درمان چنین چالشی، کاربست قاعده حریم حمی است. نوشتار پیش رو تلاش دارد ضمن بیان چالش مذکور، به تبیین قاعده حریم حمی و کارآمدی آن در مواجهه با شهوت‌پرستی در آخرالزمان در سه حیطة نگرش، گرایش و رفتار بپردازد. به جز مقاله‌ای با عنوان قاعده حریم حمی (داوودی، ۱۳۹۴) که با رویکرد حقوقی تألیف شده و رساله سطح چهار حوزه علمیه قم با عنوان «قاعده رعایت حریم حمی و کاربرد آن در سیاست‌های کلان فرهنگی از منظر قرآن و روایات» (شریفی، ۱۳۹۶) پژوهش مستقیمی در این باره یافت نشد. نوشتار پیش رو در راستای تبیین ثمرات اجرای قواعد فقهی در جامعه منتظر، می‌کوشد بایستگی و کارآمدی کاربست قاعده حریم حمی در مواجهه با طغیان شهوت جنسی در آخرالزمان را بررسی کند.

واژه‌شناسی

«شهوت» از ریشه (ش ه و) به معنای طلب کردن و خواستن چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۶۸؛ صاحب، ۱۴۱۴: ج ۴، ۵۷۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۲۰) حب و رغبت به امری، اشتیاق

نفس به چیزی (ابن سیده، ۱۴۱۲: ج ۴، ۴۰۱، زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ۵۸۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۹۰) است. صاحب مفردات «شها» را به «خواهش و دلبستگی نفس به چیزی که می‌خواهد و اراده کرده است» معنا کرده و آن را در دنیا به دو گونه صادق و کاذب می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۹). واژه «شهوت» در فرهنگ لغت فارسی و عربی نزدیک به هم معنا شده است. دهخدا «شهوت» را دوست داشتن کسی یا چیزی، میل و خواهش نفس، آرزو و شوق نفس به طرف حصول لذت و منفعت و میل مفرط نفس به لذائذ معنا نموده (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۰، ۱۴۶۲۸) و معین، آن را میلی می‌داند که از حد معمولی تجاوز کرده و امیال دیگر را تحت الشعاع قرار داده و تمام توجه شخص را منحصرأ به موضوع خود جلب نماید. (معین، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۰۹۹) هم‌چنین میل جنسی، میل و اشتیاق به امری نیز از معانی شهوت است. (انوری، ۱۳۸۷: ج ۵، ۴۶۲۷)

به کسی که به سهولت آرایش به شهوات می‌یابد یا مطیع تمایلات نفسانی است یا آزند جماع است، شهوت‌پرست یا شهوتران گویند. (معین، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۰۹۹؛ انوری، ۱۳۸۷: ج ۵، ۴۶۲۷) در کتب اخلاق/اسلامی اطاعت از شهوت شکم و دامن و حرص شدید بر آن «شره» نامیده می‌شود و گاه شره پیروی مطلق از قوه شهویه است در همه خواهش‌ها. (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۵۱۳)

قاعده حریم حمی

«حریم» از ریشه «ح ر م» به معنای محدوده و اطراف یک چیزی است که برای غیرصاحب یا غیرشخص تعریف شده ممنوع است. حریم خانه یا حریم نهر به معنای اطراف خانه و نهر که به آن اضافه شده از نظر حقوقی و اطراف مکانی. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۲۲؛ ابن سیده، ۱۴۱۲: ج ۳، ۹۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۶، ۱۳۵) حریم منطقه حفاظت شده پیرامون نقطه مرکزی است که هر شخصی نمی‌تواند بدان دست یابد. حرام الهی نیز بر این اساس انجام ندادن فعل و امری است که خدا از آن نهی کرده است.

«حمی» به معنای قرفگاه است و در کتب لغت به حمایت کردن و محافظت کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۸) و چراگاه یا موضعی که مردم از ورود به آن ممنوعند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۳۱۲؛ حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ۳۰۸) معنا شده است.

خدای سبحان در آیات متعددی بر رعایت حدود الهی تأکید دارد و از نزدیک شدن و تجاوز

به حریم آن نهی کرده است. (بقره: ۱۸۷ و ۲۲۹) در روایات از محارم الهی به عنوان «حمی الله» یاد و دستور به حفظ حریم حمی داده شده است.^۱ (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۵۲) هم‌چنین از پرسه زدن در اطراف حمی، به دلیل احتمال وقوع در آن نهی گردیده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمِّيٍّ وَحِمِّيَّ اللَّهِ مَحَارِمُهُ فَمَنْ رَزَعَ حَوْلَ الْحِمِّيِّ أَوْ شَكَ أَنْ يَقَعَ

فِيهِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۶۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ۱۶۷؛ کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۵۲)

قاعده حریم حمی درصدد اثبات این نکته است که در برخی موارد به دلیل شدت حرمت یک موضوع قابلیت گسترش آن حرمت به محیط پیرامونی وجود دارد و این امر در حقیقت توسعه کمربند حفاظتی، به منظور مراقبت و حفاظت و دور داشتن مکلف از ارتکاب به آن حرام است در حقیقت مصالح و مفاسد برخی احکام به عنوان کمربند ایمنی بخش دیگری از احکام قلمداد می‌گردند. (داوودی، ۱۳۹۴: ۳۹) این قاعده به نوعی خط قرمز برای نشان دادن محدوده خطر ارتکاب گناه است که رعایت آن، تضمین بالایی برای رعایت حرام الهی است.

فقه‌های امامی در مباحث اصولی و در ضمن بحث «مقدمه واجب» بحث مقدمات حرام را مطرح نموده و با تفکیک اقسام و صورت‌های مختلف آن، به اظهار نظر پرداخته‌اند که با آن چه علمای اهل سنت با عنوان «سد ذرایع» در نظر می‌گیرند، بی‌شبهت نیست. بیشتر آنان اعتقاد دارند حکم کردن به وجوب یا حرمت مقدمه، تبعی است و ثواب و یا عقاب مستقل بر آن مترتب نمی‌گردد؛ در حالی که علمای عامه به استناد «سد ذرایع» برای مقدمات حرام، حرمت نفسی قائل شده‌اند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ج ۱، ۴۸۸-۴۸۹) «قاعده حریم حمی» گرچه به بحث مقدمه واجب و حرام و بحث سد ذرایع نزدیک است اما با این عنوان در کلمات فقها و اندیشمندان نه در بحث‌های اصولی و نه در قواعد فقهیه به گونه‌ای مستقل مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است. هرچند تعبیر به «حمایت از حمی» در کلمات برخی مفسران آمده است؛ ولی ذیل عنوان یک قاعده و بحث از مفاد آن و ادله اثبات و شرایط اجرای قاعده، پیشینه‌ای ندارد. (داوودی، ۱۳۹۴: ۳۴)

نمودهای طغیان شهوت جنسی در آخرالزمان

طغیان شهوت جنسی از ویژگی‌هایی آخرالزمان است. در این جا به برخی نمودهای آن

۱. «إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمِّيٍّ أَوْ لَا وَإِنَّ حِمِّيَّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَحَارِمُهُ فَتَوَقَّؤُوا حِمِّيَّ اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ».

اشاره می‌شود:

کشف حجاب و تبرج

کشف حجاب و تبرج زنان از دلایلی است که آخرالزمان را به بدترین دوران بشر معروف کرده است. چنان‌که در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

يُظْهِرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ سُرُّ الْأُمَّتِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ
مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَّاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ
لِلْمُحَرَّمَاتِ... (ابن بابویه: ج ۳، ۳۹۰).

با توجه به نوع پوشش زنان معاصر در کشورهای مسلمان و تبرج به عنوان نشانه فرهنگ و روشن فکری، می‌توان روایات را با زمان کنونی کاملاً منطبق دانست. اگرچه این‌گونه رفتارهای زنان در طول تاریخ وجود داشته اما با نگاهی به تاریخ و فرهنگ زنان در تمدن‌های گوناگون متوجه افزایش شهوت‌پرستی و بروز آن در دوران معاصر در حیطه حجاب بانوان می‌شویم. تلاش‌ها برای تبرج و شبیه‌سازی پوشش زنان مسلمان به مدل‌های جوامع غیردینی رو به افزایش است و با ایجاد تغییر در نگرش زنان، تبرج بیش از هر زمانی پدیدار و فراگیر شده است.

بی‌مبالاتی در ارضای غریزه جنسی

بر اساس روایت، همت مردم آخرالزمان در شکم و فرج‌های‌شان است و دنیا و زنان^۱ قبله‌گاه ایشان می‌شود. چنان‌که در روایتی می‌خوانیم:

رَأَيْتِ النَّاسَ هُمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَفُرُوجُهُمْ لَا يَبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَمَا نَكَحُوا وَرَأَيْتِ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً
عَلَيْهِمْ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۲؛ دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۹۱؛ شعیری، بی‌تا: ۱۳۰).

ارزشمند شدن زنا و زناکار

از دیگر اشارات اهل بیت علیهم السلام در نشانه‌های طغیان جنسی در آخرالزمان، مدح زنان زناکار و فاسق و بسترسازی جامعه برای ترویج و تشویق زنان فاسق است. در کتاب شریف کافی آمده است:

۱. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «زین للناس حب الشهوات من النساء...» (آل عمران: ۱۴) می‌نویسد: فمن شهواني لا همَّ له إلا التعشق بالنساء و غرامهن و التقرب إليهن و الأئس بصحبتهن، و يستصحب ذلك أذنانا من وجوه الفساد و معاصي الله سبحانه كاتخاذ المعازف و الأغاني و شرب المسكرات و أمور آخر غیرهما، (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۱۰۵). بر این اساس مشخص است مراد از قبله شدن زنان طغیان شهوت جنسی است.

كَانَ الزَّيْنَةُ مُتَدَخِّحٌ بِهِ النِّسَاءُ وَرَأَيْتِ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ وَرَأَيْتِ أَكْثَرَ النَّاسِ وَخَيْرِيَّتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰).

همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی که غربیان آن را از افتخارات دنیای مدرن برمی‌شمارند، از نمودهای طغیان شهوت‌پرستی و ظهور فسق در آخرالزمان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وَ رَأَيْتِ الْفُسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اِكْتَفَى بِالرِّجَالِ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءَ بِالنِّسَاءِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۳۸: حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ۲۵۷).

با در کنار هم قراردادن روایات آخرالزمان و بر پایه آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱) و کاربست آن در دعای عهد (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۶۶۵) می‌توان دانست یکی از ابعاد ظهور فساد در دریاها و خشکی‌ها، طغیان شهوت‌پرستی بوده و همجنس‌گرایی یکی از نمودهای آن است.

شبیه شدن زنان و مردان به یکدیگر

مبدل‌سازی زنان و مردان به یکدیگر نیز نشانه‌ای از مردمان آخرالزمان است که در روایات وارد شده است، همان‌گونه که تغییر جنسیت و تغییر رفتارهای زنان و مردان به رفتارهای جنس مخالف تحت مقوله آزادی در سبک زندگی به جوامع مسلمان وارد شده است:

وَ رَأَيْتِ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ وَ رَأَيْتِ النَّائِبَاتِ... قَدْ ظَهَرَ وَ أَظْهَرُوا الْحِضَابَ وَ امْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِرُؤُوسِهَا (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰).

بی‌غیرتی مردان نسبت به زنان

از جمله تدابیری که خدای سبحان برای جلوگیری از فساد جنسی جوامع در انسان قرار داده، وجود صفت غیرت است که مردان را نسبت به جلوه‌گری زنان خویش و در سطح بالاتر عموم زنان حساس می‌کند. با ترویج بی‌حجابی و تغییر نگرش جامعه، انسان‌های غیور مورد هجمه جامعه قرار می‌گیرند و از آنها به نام عقب مانده، خشک مذهب و متهم‌چهره... یاد می‌شود و کم‌کم غیرت که وصفی الهی و خصلت همه انبیاء و اولیاء الهی است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۵۳۶) کمرنگ یا محو شود. از این رو در روایات، بی‌غیرتی مردان نسبت به فجور زنان از نشانه‌های آخرالزمان معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

رَأَيْتِ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِثْبَانِ النِّسَاءِ وَ رَأَيْتِ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْمُجُورِ يَعْلَمُ

ذَلِكَ وَيُؤَيِّمُ عَلَيْهِ وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَتَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهَى وَتُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا...
رَأَيْتَ التِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَرَأَيْتَ الْمَلَاهِي قَدْ ظَهَرَتْ يُرْمِيهَا لَا يَتَنَعَّمُ أَحَدٌ
أَحَدًا وَلَا يَحْتَرِي أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا (همو: ج ۸، ۳۹).

آمیزش با حیوانات

ازدواج با حیوانات از نمودهای طغیان شهوت پرستی انسان در آخر الزمان است: «وَرَأَيْتَ
الْبَهَائِمَ تُنْكِحُ». (همو: ج ۵۲، ۲۵۸) شاید باور این مطلب برای کسانی که پیش از این زیستند و
دنیای امروز را درک نکردند دشوار می‌نمود، اما در جهان کنونی که ازدواج با حیوانات تبدیل به
یک قانون گشته و کسی حق تعرض به شخصی که با حیوان ازدواج می‌کند را ندارد، فهم این
روایت آسان است. مصداق بارز افرادی که در قرآن کریم به ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۴۴) توصیف شده‌اند، کسانی هستند که برخلاف طبع انسانی، در اطفاء غریزه
جنسی پست‌ترین کارها را انجام می‌دهند و در چارچوب قوانین شیطانی، ضد ارزش‌ها را
ارزشمند جلوه می‌دهند.

ریشه همه نمودهای طغیان در شهوت جنسی، معبود قرار دادن هوای نفس به جای معبود
حقیقی و خدای جهانیان است. مراد از (معبود گرفتن هوای نفس) اطاعت و پیروی کردن آن
است، بدون این‌که خدا را رعایت کند، و خدای تعالی در کلام خود مکرر پیروی هوی را مذمت
کرده و اطاعت از هر چیزی را عبادت آن چیز خوانده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۲۲۳) از
این روایات، شهوت پرستی را در کنار ضایع کردن نماز، از نشانه‌های آخر الزمان بر شمرده
است، چرا که پرستش هوای نفس با پرستش معبود حقیقی جمع نمی‌گردد. پس زمانی که
هوای نفس الهه گردد، اطاعت رب نیز سست و در نهایت محو می‌شود. چنان‌که در روایت
می‌خوانیم:

إِنَّ مِنْ أَسْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِضَاعَةَ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعًا لَشَهَوَاتِ وَالْمَيْلَ مَعَ الْأَهْوَاءِ وَ...
(حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۳۴۸).

قاعده حریم حمی؛ مهارگر طغیان شهوت جنسی

سعادت و شقاوت بشر در گرو رعایت حدود الهی است. (بقره: ۲۲۹؛ نساء: ۱۳) برخی آیات
قرآن کریم، مصادیقی از حدود الهی را بیان کرده است. در این میان دو آیه به قرقگاه غریزه
جنسی (انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۲) و دو آیه به قرقگاه مال یتیم (انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴) اختصاص
دارد که حاکی از اهتمام حضرت حق به این دو مسئله است. سرّ کاربست واژه «لا تقربوا» درباره

قرقگاه‌های الهی، پرخطر و نابودکننده بودن قرق‌شکنی در حیطة فردی و اجتماعی است و این هشدار خداست که مراقبت شدید کنید و حتی به آنها نزدیک نشوید. چنان‌که در تفسیر الفرقان ذیل آیه «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (انعام: ۱۵۱) می‌خوانیم:

«وَلَا تَقْرَبُوا» تأکید لابتعاد عن الفواحش ألا تقترب إلى مقدماتها التي تجعلك تقتربها، فالمعاصي حمی الله فمن حام حول الحمی أوشك أن يدخل فيها، ففی مثل فاحشة الزنا یعنی من قربها ما یقرب إليها من مقدمات و ملابسات التبرج و التهتك و الاختلاط المثير و الكلمات و الإشارات و الحركات و النبرات و الضحكات المثیرة و كل الإغراءات و التزیينات و الاستنارات و الاستهتارات، فانها كلها مما تقرب إلى فاحشة الزنا (صادق تهرانى، ۱۴۰۶: ج ۱۰، ۳۳۲-۳۳۳).

مرزها و حدود الهی دارای نشانه است و اگر کسی از حدود و مرز تجاوز کند مجازات خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۶، ۴۴)

کنترل محرک‌های بیرونی و درونی از مصادیق بارز رعایت حریم حمی در باب مسائل جنسی است. شارع مقدس در سه حیطة نگرشی، کنشی و گرایشی حریم گناهان جنسی را اشاره قرار داده و رعایت آن را واجب دانسته است. این سه حیطة را با استناد به آیات و روایات مورد بحث قرار می‌دهیم.

نگرشی

برخورداری از نگرش صحیح و عقیده راسخ بر گناه بودن عملی و بایستگی حفظ حرمت آن، مهم‌ترین بازدارنده از ارتکاب گناهان است. عقاید انسان که برآمده از شناخت اوست به نوعی بدنه فکری و جهان‌بینی او را می‌سازد و در جانش رسوخ می‌کند. اعتقادات انسان پایه و اساس رفتار و کنش‌ها و واکنش‌های او قرار می‌گیرد. اگر این باورها در مسیر هدایت الهی قرار بگیرد و افراد دارای بینش توحیدی شوند، حیات دنیوی انسان نیز کارآمد خواهد بود. این نوع نگرش با پایبندی انسان نسبت به احکام شریعت پیوند محکمی برقرار می‌کند.

انسان مؤمن نگرش خود را براساس آگاهی‌ها و بصیرت دینی تنظیم می‌نماید. جهان‌بینی او نیز پایه در جهان‌بینی و نگرش اسلامی دارد. جهان‌بینی و بینش توحیدی بینشی هدف‌مدار، تکلیف‌ساز، قابل استدلال و مسئولیت‌آور است که از مهم‌ترین شاخصه‌های یک جهان‌بینی معقول است. (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۳۴۴) به واقع ایجاد و گسترش جهان‌بینی توحیدی برای اجرایی ساختن احکام شریعت لازم است. بنابراین در جامعه منتظر، بینش منتظران باید

براساس مسئولیت‌پذیری و هدفمندی در جهان باشد. این نوع نگاه سبب پذیرش احکام عملی پیشگیرانه و درمانگر گناهان و چالش‌های جوامع انسانی خواهد شد.

علم و آگاهی پایه‌ساز بینش انسان است و بینش، پایه‌ساز حکمت. قوام‌بخش حکمت نیز، تفکر و اعتقاد انسان است: «الْحِكْمَةُ وَقَوَامُهَا فِي الْفِكْرَةِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۸۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۳۴۸) حکمت براساس عقل و دانش پدید می‌آید، اما اگر کسی به شهوترانی کشیده شود مطابق روایات معصومان علیهم‌السلام به حکمت دست نمی‌یازد: «حَرَامٌ عَلَيَّ كُلِّ عَقْلٍ مَغْلُولٍ بِالشَّهْوَةِ أَنْ يَنْتَفِعَ بِالْحِكْمَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۰) باید اعتقاد به کنترل قوای شهوانی را در منتظران به وجود آورد. آموزه‌های بینش‌مدارانه از مهم‌ترین عوامل هدایتگر شناخت و مدیریت میل و رفتارهای جنسی محسوب می‌گردند.

در روایات، حکمت، به معنای «علم به حقایق اشیاء و عمل بنابر اقتضائات آن چیز» (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۶، ۱۶۱) با شهوت قابل جمع نیست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۷۲) اساساً وظیفه و رسالت انبیاء مدیریت کنش‌ها و واکنش‌ها بر پایه بینش توحیدی است. در حقیقت اگر دانش در بینش رسوخ کند، تبدیل به حکمت می‌گردد و چنین حکمتی از تبدیل ارزش به ضد ارزش جلوگیری خواهد کرد. به این معنی که با آگاهی بخشی انسان نسبت به شهوات و پیامدهای آن به تشریح احکام می‌پردازد. بصیرت‌افزایی جامعه بشری در زمینه هستی‌شناسی و مبدأ و مقصد زندگی از روش‌های کاربردی انبیاء برای اهداف متعالی آفرینش و سعادت‌مندی انسان است که ایدئولوژی توحیدی را نیز در متن زندگی او به همراه دارد؛ این همان بالندگی جامعه اسلامی در سایه دانش بینش و حکمت است.

براین اساس بینش انسان منتظر باید به دور از هواهای نفسانی باشد؛ اصولاً ذهن و قلب انسان با مشغولیات شهوانی به سکونت و آرامش و تمرکز راه نمی‌یابد: «... لاتسكن الحكمة قلبا مع حب شهوة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۹۳).

بی‌تردید مقام خوف از پروردگار و بینش معادگرایانه در مسیریابی رفتاری منتظر حقیقی نقش به‌سزایی دارد: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: ۴۰) خوف از خالق هستی، جرأت و جسارت بر شکستن حدود الهی را در بینش انسان خنثی می‌کند چرا که کنش‌های انحرافی از نداشتن بینش کافی سرچشمه می‌گیرند. لازمه خوف از خدا، ردع و پرهیز از دنیاپرستی و نهی از پیروی هوای نفس است؛ لذا در آیه «نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» پس از «مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ» آمده است؛ چرا که عدم خوف از پروردگار در سطح بینش توحیدی افراد

نفوذ کرده و رفتارها را تغییر می‌دهد به طوری که در آخرالزمان جرأت بر خدا به حدی می‌رسد که مردم آشکارا و بدون اختفا فساد می‌کنند:

وَرَأَيْتَا لِلَّيْلَا يُسْتَخْفَمِ مِنَّا جُرْأَةً عَلَى اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰).

این‌گونه رفتار در جامعه مسلمان ناشی از تغییر بینش‌های توحیدی است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۴۰ سوره نازعات، اثر خوف از پروردگار را عدم تبعیت از هوای نفس و بی‌میلی به دنیا می‌داند. در مقابل، باورمند است طغیان طاغیان ریشه در عدم تأثر از مقام پروردگار و استکبار و خروج از عبودیت و پیروی از هوای نفس و دنیاپرستی دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ۱۹۲)

انسان منتظر در جامعه منتظر با الگوسازی انسان کامل به سازندگی خویش و جامعه می‌پردازد. پس باید، آموزه تفکر ضرورت رعایت قاعده حریم حمی را در بینش‌ها ایجاد کنیم تا بتوان کنش‌ها را براساس احکام پیشگیری‌کننده مدیریت کرد. زمانی که تفکر و اعتقاد به حجاب، اعتقاد به کنترل روابط با نامحرم در حیطه شرع و کنترل شهوت، برای آرمان زیست انسان‌گونه نباشد، نباید توقع کنش‌های هنجاری در راستای عفت تعریف شده در شرع را داشت.

پایه عفت نیز در بینش است که رفتارهای مقارن عفت، در ظل حجاب‌های ظاهری و کنش‌های بهنجار شکل می‌گیرد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام عفت، جزء یکی از چهار فضیلت برتر قرار گرفته که قوام آن به کنترل شهوت است:

الْفَصَائِلُ أَرْبَعَةٌ أَجْنَسٌ أَحَدُهَا الْحِكْمَةُ وَ قِوَامُهَا فِي الْفِكْرَةِ وَ الثَّانِي الْعِفَّةُ وَ قِوَامُهَا فِي الشَّهْوَةِ وَ الثَّلَاثُ الْقُوَّةُ وَ قِوَامُهَا فِي الْعَضْبِ وَ الرَّابِعُ الْعَدْلُ وَ قِوَامُهُ فِي اغْتِدَالِ قُوَى النَّفْسِ (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۳۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۸۱).

«عفت یک حالت نفسانی است به معنای رام بودن قوه شهویه تحت حکومت عقل و ایمان». (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵۲) عفت از عوامل مؤثر در کاهش شهوت است که در بینش پی‌ریزی می‌شود و در حجاب رفتاری نسبت به غرایز جنسی نمود پیدا می‌کند. امام صادق علیه‌السلام عفت را مخالف با تهتک و بی‌پروایی معرفی می‌کنند.

مردم آخرالزمان نیز به گونه‌ای تعریف می‌شوند که بینش این چنینی ندارند. «هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های

گوناگون خود را بر ذات تحمیل می‌کنند، او (حضرت مهدی علیه السلام) نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازند». (نهج البلاغه: خ ۱۳۸) آنها از اسلام و ایمان جز نامی برجای نمی‌گذارند: «لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۵۳) ایمان حقیقی در آنها رسوخ ندارد به این معنا که آنان تفکر دینی و بینش دینی ندارند. مردم از باورهای اصیل به باورهای واهی روی آورده‌اند و ارزش‌ها را به ضد ارزش تبدیل می‌کنند و سپس به ارزش‌های کاذب و مطابق هوای نفس عمل می‌نمایند.

در حقیقت بینش ضعیف و بی بصیرتی عامل اصلی برای تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش قلمداد می‌گردد. در نتیجه سرمایه‌گذاری بر علم و معرفت جامعه منتظر، سبب رشد بینش در جهت شناسایی صحیح ارزش‌ها است. ارزش‌های مهمی چون ازدواج، تشکیل خانواده متشکل از زن و یک مرد، وجود غیرت بهنجار در مردان، دوری از تبرج و جلوه‌گری در برابر نامحرمان، رعایت عفت فکری و زبانی و رفتاری، وفاداری و دوری از خیانت به همسر و... ارزش‌های مطابق عقل و برآمده از روایات آخرالزمانی است.

گرایش

طبع آدمی به عوامل لذت‌گرایش دارد و در مقابل، از عوامل شکنجه‌آور و دردزا متنفر است. دو عنصر اساسی اراده و اختیار، بینش‌ها و گرایش‌ها هستند. هیچ کار ارادی و اختیاری بدون شناخت و میل تحقق نمی‌پذیرد. بنابراین، لازمه انجام هر رفتاری این است که انسان آن را بشناسد و سپس میل و رغبت برای بروز و ظهور آن داشته باشد. (جلالی، ۱۳۸۰: ۵۰)

گرایش انسان به شهوات، خصوصاً شهوت جنسی از قوی‌ترین گرایش‌هاست. به طوری که توانایی مقابله کامل با آن بدون اراده قوی و بینش جامع تقریباً ناممکن است. گرایش به اعمال جنسی مقدمه‌ای است برای انجام موفقیت‌آمیز هدف اصلی‌غریزه جنسی که همان تولید مثل و رسیدن به آرامش است. پس این گرایش نیز باید در راه صحیح هدایت شود و باید از هرچه گرایش انسان را به شهوات نامشروع برمی‌انگیزاند جلوگیری کرد. تداعی، سبب تحریک عواطف می‌شود؛ تداعی محرک‌های شهوانی نیز نیروی شهوت را در انسان به شور در می‌آورد. به همین خاطر در روایات تداعی و فکر کردن به امور شهوانی نیز نهی شده تا به عنوان یک حکم پیشگیری‌کننده و مشخص‌کننده حریم امور جنسی از ارتکاب گناه جلوگیری کند. امیال شهوانی در تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش تأثیر بسیاری دارد به طوری که براساس همین امیال ضد ارزش‌ها توجیهات منطقی و رنگ و لعاب حقیقی برمی‌دارند. بینش‌ها اگرچه ریشه

رفتارهای انسانی است اما اگر گرایش‌ها تحت کنترل عقل نباشد بینش‌ها را به سیطره قدرت خواهند گرفت. بر این اساس احکام مصادیق قاعده حمی برای کنترل امیال می‌تواند به سیطره بینش توحیدی بر امیال یاری‌گر باشد.

میل به شهوات از ویژگی‌های مردمان آخرالزمان است: «مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ۳۹) اگر بینش هم درست شود ممکن است انسان به خاطر ضعف وجودی در زمینه گرایش‌های خویشتن میل به شهوات را پیدا کند چنان‌که با وجود داده‌ها و آموزه‌های اصیل اسلامی کسانی هستند که مسیر زندگی‌شان علیرغم هدایت‌ها به انحرافات تغییر می‌کند. تفکر به امر یا شیئی خاص میل به آن امر یا شیء را در انسان زیاد می‌کند. از همین روی تفکرات شهوانی در روایات نهی شده است. امیال انسان شاید در او به صورت ابتدایی نهفته باشد اما پرورش و ازدیاد و کاهش آن منوط به خواست و اراده انسان است؛ به همین سبب روایات در زمینه کنترل فکر برای کنترل امیال وارد شده است.

در روایتی عیسی علیه السلام خطاب به یارانش می‌فرماید:

إِنَّ مُوسَى نَبِيَّ اللَّهِ عليه السلام أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا، وَأَنَا أَمَرُكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّيْنِ فَضَلًّا عَنِ
 أَنْ تَزْنُوا؛ فَإِنَّ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالزَّيْنِ، كَانَ كَمَنْ أَوْقَدَ فِي بَيْتِ مُرْوَقٍ فَأَفْسَدَ التَّرَاوِيْقَ
 الدُّخَانُ، وَإِنْ لَمْ يَحْتَرِقِ الْبَيْتُ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ۲۴۶).

هم‌چنین روایات تشویقی و تنبیهی برای حذف مفساد جنسی می‌تواند از مؤلفه‌های کمک‌کننده در کنترل امیال جنسی باشد. هم‌چون سخن امام علی علیه السلام که می‌فرمایند:

لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ النَّفْسِ الْمُطِيعَةِ لِأَمْرِهِ (قیممی آمدی،
 ۱۳۶۶: ۱۸۲):

در روی زمین چیزی نزد خداوند سبحان گرامی‌تر از نفسی که مطیع فرمان او باشد، وجود ندارد.

از روایات دانسته می‌شود کسانی که فساد ظاهری مرتکب می‌شوند و شعار دل‌پاکی سر می‌دهند در حقیقت کاذبند، زیرا فساد ظاهری ریشه در فساد باطنی دارد، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَسَادُ الظَّاهِرِ مِنْ فَسَادِ البَاطِنِ وَمَنْ أَضْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَضْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَمَنْ خَافَ اللَّهَ فِي
 السِّرِّ لَمْ يَهْتِكِ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۱۰۷):

فساد باطنی می‌تواند همان‌حیا نداشتن از ترک محرمات الهی باشد که برای مؤمنان مایه

فساد عقیده و در پی آن فساد عملی است.

رفتاری

همان طور که بیان شد بر طبق آیات قرآن بینش و منش خدا باورانه سبب نهی و کنترل هواهای نفسانی می‌شود: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: ۴۰) رفتارهای تقوآمدار در زمینه شهوات جنسی می‌بایست بر مبنای بینش درونی فرد شکل گیرد تا اثر حقیقی را در خلوت و جلوت داشته باشد.

با توجه به ویژگی‌های بیان شده، بدون در نظر گرفتن چنین تدابیری نمی‌توان در جامعه منتظر ارتقاء معنوی منتظران را تضمین کرد و برای آمادگی حالت انتظار، بایستگی کاربست این قاعده در بدنه جامعه مهدوی ضروری می‌نماید. آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار سبب بروز آسیب‌هایی می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن زدن به انتظار منفی، و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام اشاره کرد.

یاران حضرت مهدی علیه السلام مرزبانان دین الهی و اقامه‌کنندگان احکام الهی هستند:

وَيُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۳).

تقوا و پرهیزکاری یکی از ویژگی‌های شاخص منتظران واقعی است؛ چنان‌که معصوم علیه السلام فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

و در روایتی دیگر آمده است که در زمان غیبت بندگان خدا باید تقوای الهی پیشه کنند و به دینشان چنگ زنند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۶) زیرا تقوا پیشه کردن، رعایت حدود الهی است و نزدیک نشدن به محرّمات را در افراد تقویت می‌کند.

آموزه‌های دینی براساس حمایت مطمئن از انسان و سعادتش در زمینه رفتاری، دستورالعمل‌هایی را به عنوان پیشگیری از ورود به حریم حما و حرّامات الهی مشخص کرده است. این رفتارها در قالب حرام معرفی شده‌اند تا نقطه کانونی گناه را در نظر مسلمانان با اهمیتی خاص جلوه دهند، چنان‌که نزدیک شدن به آن نیز برای او جایز نیست. چنان‌که در روایت آمده است:

وَإِنَّ جَمِيَّ اللَّهِ مَحَارِمُهُ وَالْمُؤْمِنُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى عَلَيْهِ سَائِرُ جَسَدِهِ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۰، ۱۲۷).

از جمله دستورات عمل‌ها که به عنوان قاعده حمی و برای پیشگیری از شهوات جنسی در متون دینی یافت می‌شود کنترل نگاه است که در آیه ۳۰ و ۳۱ نور با عبارت «غض بصر» به آن اشاره می‌کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» «قل» در این آیه به معنای «امر کردن» است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۱۱۱) نتیجه پوشیدن چشم، نهی از چشم‌چرانی است. حفظ فروج هم در این آیه برخلاف تفاسیر دیگر پوشاندن آن از نظر نامحرمان است نه زنا و لواط. (همو: ج ۱۵، ۱۱۱)

عبارت «کی لکم» در آیه اشاره به نزدیک بودن این رفتار به تقوا دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۲۱۷) آلوسی در تفسیر این آیه مراد از «غض بصر» را «عما یحرم و الاقتصار به علی ما یحل» می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۹: ۳۳۳). نگاه، ابزاری قوی برای تحریک و غلیان شهوات محسوب می‌شود؛ به همین خاطر نگاه، در کلام معصوم علیه السلام، تیری زهرآگین از سوی شیطان معرفی شده است؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ۲۲۷) نگاه، می‌تواند حظ زنا را در انسان ایجاد کند: «لکل عضو من اعضا ابن ادم حظ من الزنا فالعینان تزینان و زناهما النظر» (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱: ۵۲۳) هم‌چنین آغازگر یک رابطه نامشروع باشد؛ چنان‌که نراقی می‌نویسد:

از پسر یحیی پرسیدند: آغاز زنا چیست؟ گفت: نگاه و آرزو (همو).

به همین سبب نگاه، حریم حرام الهی است که رعایت قاعده حمی برای جلوگیری از گناهان جنسی واجب است. کنترل نگاه، کنترل امیال شهوانی را سبب می‌شود. برای حفظ جامعه از تحریکات جنسی و جلوگیری از انحرافات شهوانی، حفظ نگاه یک برنامه و دستورالعمل قوی محسوب می‌شود. فرهنگ‌سازی این آموزه در جامعه مهدوی می‌تواند بر مبنای باور منتظر حقیقی، با سهولت بیشتر شکل می‌گیرد. عادی‌سازی روابط با نامحرم با توجیه مدرنیته شدن و تغییر ذائقه نیت حرام به حس نوع دوستی انسان‌ها، از جمله مشکلات و معضلات جوامع مسلمان کنونی است. برابری زنان و مردان در حضور اجتماعی، سوءظن نداشتن به نامحرمان، حس برادری و خواهری، عقب‌افتادگی و تحجر فکری، حق آزادی در انتخاب سبک زندگی و... از جمله توجیهاتی است که جامعه کنونی ایران را درگیر خود کرده است. این‌گونه توجیهات به نوعی گذر از قاعده حریم حماس است تا آزادی بیشتر در ارضاء حس رابطه با

نامحرمان را تسهیل بخشد. متأسفانه گسترش این تفکر به حدی است که جامعه مذهبی نیز به آن دچار شده است. این در حالی است که روایات، خلوت با نامحرمان را دام شیطان تلقی می‌کند. خلوت نکردن با نامحرم به صراحت در روایات نهی شده است:

هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر این که سومی آنها شیطان باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ۲۵۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۹، ۱۵۴).

در روایات، شوخی کردن با زن نامحرم عذاب الهی را در پی دارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ۱۹۸) چرا که شوخی نیز از مقدمات ورود به حریم حمای الهی است. چنان که صدای زن و نحوه صحبت کردن او در برابر نامحرم نیز که در آیه ۳۲ احزاب وارد شده و زنان را از خضوع و نرمی و ناز کردن در گفتار با نامحرم نهی کرده است، از همین مقدمات است. بنابراین هرگونه زمینه‌سازی روابط زنان و مردان می‌تواند سرمنشأ روابط نامشروع باشد چنان که امروزه در جامعه شاهد آن هستیم.

استعمال بوی خوش بسیار مستحب است اما در مورد زنان استعمال بوی خوش همراه با جلب توجه و افزایش جذابیت است به همین سبب استعمال آن برای زنان در برابر نامحرمان حرام شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

هر زنی که خود را خوشبو نماید و از منزل خارج شود تا زمانی که برمی‌گردد مورد لعنت (خدا و ملائکه) قرار می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ۲۴۷).

البته باید توجه داشت که خصوص استعمال عطر نهی نشده بلکه مستحب است؛ لکن استفاده از آن برای زنان در برابر نامحرمان مصداق رعایت نکردن حریم حمی است؛ از این رو مورد نهی الهی واقع شده است.

در این که هر رنگ تأثیر خاص خود را بر انسان دارد شکی نیست اما با توجه به آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام رنگ‌ها زینت‌های خدا هستند و کسی نمی‌تواند حلال خدا را حرام کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۲۹۲) در روایات رنگ قرمز در برابر همسر و برای مجالسی چون عروسی پیشنهاد شده و در غیر آن مکروه دانسته می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۲۹۳) امروزه ثابت شده رنگ قرمز محرک فکری است و فعالیت جنسی مردان را افزایش می‌دهد. عدم استفاده از جذابیت‌ها در برابر نامحرم از دیگر مصادیق قاعده حریم حمی است. چرا که جلب توجه نامحرمان و انگیزش شهوت در آنها شروع پایه‌های رفتارهای جنسی نامتعارف و نامشروع خواهد بود. فراوانی چنین اعمالی به فراموشی ارزش‌ها و جایگزینی ضد ارزش‌ها می‌انجامد؛

هم چنان که امروزه شاهد چنین رفتارهایی با مبنای ارزشی هستیم.

نتیجه‌گیری

از جمله معضلات بشر در طول تاریخ، شهوت پرستی و افراط در مواجهه با غریزه جنسی بوده است. این چالش در آخرالزمان به اوج خود می‌رسد و روایات معصومان علیهم‌السلام آن را نشانه‌ای از نشانه‌های آخرالزمان و جامعه بشری معرفی کرده‌اند. با نظری به سیر زندگی بشر شهوترانی و شهوت پرستی مایه عقب ماندگی معنویت انسان و پس روی استعداد های عالی انسان بوده است. بر طبق آیات الهی، تبعیت و اتخاذ هوای نفسانی به عنوان رب و معبود، انسان را به این حیطة می‌کشاند. نتیجه و سرانجام چنین انتخابی، دوری از حق و نشناختن مسیر هدایت و تغییر بینش‌ها و نگرش‌ها بنابر میل هوای نفسانی است. ارزش‌ها جای خود را به ضد ارزش‌های شهوانی خواهند داد و ضد ارزش‌ها توجیهات پوشالی منطقی پیدا خواهند کرد. چالشی که امروزه نه تنها جامعه مسلمانان بلکه جوامع غیرمسلمان را نیز به ورطه نابودی انسانیت می‌کشاند. برای هدایت جامعه منتظر مهدوی و پرورش منتظر حقیقی باید راه‌های برون رفت از این معضل بررسی شود. از جمله مسیرهای نجات از این چالش در جامعه آخرالزمانی، اتیان احکام الهی و رعایت حریم الهی است که در قاعده فقهی حریم حمی بر پایه مبانی عقلی و شرعی قابل دسترسی است.

قاعده حریم حمی قاعده‌ای است که نقطه کانونی گناه را به واسطه شعاع پیرامونی آن مورد حفاظت قرار داده و از نزدیک شدن و انجام دادن آن توسط انسان جلوگیری می‌کند؛ در حقیقت سپر مقاومی است که انسان را از وقوع حتمی در گناهان جنسی محافظت می‌نماید. چنان که امروزه در جوامع دینی تفکر و بینش رعایت چنین قاعده‌ای به فراموشی گراییده و مشکلات عدیده‌ای پدید آورده است. قاعده حریم حمی در سه حیطة نگرشی و گرایشی و رفتاری می‌تواند جلوگیری از گناه راهموار سازد.

بر اساس متون دینی گام نخست اصلاح نگرش و تقویت بینش در جامعه منتظر است. چراکه باورداشت باطل کردار ناشایست را در پی دارد. عقل و حکمت نجات بخش انسان است. با تفکر و شناخت صحیح می‌توان راه هدایت و دست‌یابی به سعادت براساس جهان بینی توحیدی را جست. از مهم‌ترین آثار فقدان نگرش صحیح، تغییر و تبدیل ارزش‌هاست. چالش مهم از این نقطه آغاز می‌گردد که نگرش‌ها نسبت به رفتارهای بهنجار جنسی تغییر یافته و ارزش‌های این چنین به ضد ارزش یا ارزش‌های پوشالی بدل می‌گردند. در چنین وضعیتی که

جامعه در آخرالزمان مورد هجوم گونه‌های مختلف تحریکات شهوانی است، ضعف در نگرش و در پی آن سستی در عمل، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بیکره جامعه وارد می‌سازد. چنان‌که مقام معظم رهبری در سالیان متوالی به تهاجم فرهنگی هشدار داده‌اند. این هشدار در روایات آخرالزمانی بیشتر نمود و بروز دارد.

گاهی نیز با آگاهی کامل منتظران از آموزه‌های دینی، تمایل به چنین گرایشی در آنها وجود دارد که معصومان علیهم‌السلام با نهی از تفکر در چنین اموری، گرایش به آن را مدیریت کرده‌اند. هم‌چنین در ساحت کنشی، رفتارهایی برای جلوگیری از ورود به حیطة گناه حرام گردیده تا مرزها رعایت گردد. از جمله کنترل نگاه، کنترل پوشش، کنترل صدا، کنترل مکان و... که حریم حمی است و گذر از آنها احتمال انجام گناهان جنسی و گرایش به شهوترانی را افزایش می‌دهد.

جامعه منتظر مهدوی باید بر مبنای آموزه دینی به اصلاح چالش‌ها بپردازد و این مهم با پرورش تفکر منتظر حقیقی انجام‌شدنی است. منتظر حقیقی کسی است که تمامی احکام الهی را به جا آورد تا زمینه تحقق ظهور منجی فراهم گردد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. مصباح الشریعه (منسوب به امام جعفر علیه السلام)، بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۰۰ ق.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبغ المثنائی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، اول، ۱۳۷۸ ش.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه، اول، ۱۴۰۴ ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز: بنی هاشم، ۱۳۸۱ ش.
۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ششم، ۱۳۸۱ ش.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. جلالی، حسین، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها»، مجله معرفت، ش ۵، بهمن ۱۳۸۰، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۱. جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، اول، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۵ م.
۱۵. داوودی، سعید، «قاعده حریم حمی»، مجله حقوق اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال ۱۱، ش ۴۳.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المومنین، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- ۱۴۰۸ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت: دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رونالد اینگلهارت، پیمان نوریس، «برخورد حقیقی تمدن ها»، مجله سیاحت غرب، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ش ۱، ۱۳۸۲ش.
۲۰. شریفی، حسین، قاعده رعایت حریم حمی و کاربرد آن در سیاست های کلان فرهنگی از منظر قرآن و روایات، رساله سطح چهار، قم: حوزه علمیه، ۱۳۹۶.
۲۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف: نشر مطبعه، اول، بی تا.
۲۲. کراچکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، قم: دارالزخائر، ۱۴۱۰ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ش.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۷. فراهیدی، خلیل، العین، قم: هجرت، دوم، ۱۴۰۱ق.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیه السلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳ق.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: سرایش، چهارم، ۱۳۸۱ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، بیست و سوم، ۱۳۷۳ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، یادداشت ها، تهران: صدرا، ۱۳۷۷ش.
۳۳. نراقی، مهدی، جامع السعادات، تهران: قائم آل محمد علیه السلام، دوم، ۱۳۸۸ش.
۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
۳۵. ویکی پدیا دانشنامه آزاد: <https://fa.wikipedia.org/wiki>